

وضعیت‌شناسی تحلیلی مراکز شیعه‌شناسی داخل کشور

* یعقوب توکلی
** روح‌الله شاکری زواردهی
*** محمدجواد طوسی

چکیده

مراکز «شیعه‌شناسی» برای تبیین آموزه‌ها، معارف و دانش‌های اختصاصی تشیع و نیز نحوه شکل‌گیری شیعیان تأسیس شده‌اند. وضعیت‌شناسی مراکز شیعه‌شناسی، صورت‌بندی و جستجوی اهداف و رویکردهای‌شان رسالت این پژوهش است و بر آن است در عین شناسایی مراکز یاد شده، به تحلیل وضعیت آنها در جنبه‌های ساختاری و محتوایی بپردازد تا امکان صورت‌بندی آنها در دسته‌های همگن فراهم گردد. می‌توان این مهم را برای تغییرات روش‌ها و اهداف مراکز شیعه‌شناسی و بازشدن چشم‌اندازهای نظری برای تحقیقات بعدی دانست تا از کمبودهای موجود آن کاسته شود. روش تحقیق حاضر کیفی است و با روش توصیفی - تحلیلی به فراز و فرود و روندهای شیعه‌شناسی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

شیعه‌شناسی، تحلیل وضعیت، اندیشه اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران.

yaghbtavakoli@yahoo.com

shaker.r@ut.ac.ir

jtoussi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

*. استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

** دانشیار گروه شیعه‌شناسی و معارف اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

*** دانش‌آموخته دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

مقدمه

شیعه در لغت به معنای «آشکار گردیدن، قوی و پراکنده گردیدن، همانند شدن»، (ابن‌درید، ۱۴۲۶: ۶۳/۳؛ ازهری، بی‌تا: ۶۱/۳) «فرقه»، (سیاح، ۱۳۹۰: ۱ / ۷۷۷) «حزب»، (جوهری، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۲۴۰) «گروه»، «پیروان»، (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵ / ۴۰۶؛ ابن‌خلدون، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۹۶) «امت»، «همراهان»، (فیومی، ۱۳۷۲: ۳۲۹) «اشاعه‌دهندگان»، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲ / ۱۹۲) «دوستان» و «یاوران» (عمید، ۱۳۹۰: ۷۹۳) آمده است.

برخی شیعه را اسم خاص پیروان امام علی علیه السلام می‌دانند و ریشه آن را به متابعت باز می‌گردانند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۷ / ۲۵۸) برخی از مستشرقین، لغت یادشده را منحصر در معنای حزب دانسته‌اند؛ (هالم، ۱۳۸۹: ۱۵) چنان‌که پاره‌ای از سلفی‌ها شیعه را خصوصاً در کاربردهای قرآنی مانند: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا» (روم / ۳۲) و «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا» (قصص / ۴) به مفهوم ضد ائتلاف و اجتماع دانسته و آن را به معنای فرقه‌های گمراه و اختلاف‌افکن خوانده‌اند. (قفاری، بی‌تا: ۱ / ۳۴)

گفتنی است قرآن در کاربردی معنادار، ابراهیم را شیعه نوح می‌خواند: «إِنَّ مِنْ شِيَعَتِهِ لِبِرَاهِيمَ» (صافات / ۸۳) و ابراهیم اولاً فرد است و نه فرقه و اصطلاحاً پدر توحید است، نه شخص گمراه و اختلاف‌افکن. شیخ مفید با توجه به آیه شریف: «فَاسْتَعَانَهُ الَّذِي مِنْ شِيَعَتِهِ عَلِيٌّ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ» (قصص / ۱۵) معتقد است به دلیل تقابل شیعه و عدو در آیه، پیروی خالصانه در مفهوم شیعه قابل دریافت است، نه مطلق پیروی. (مفید، ۱۳۹۵: ۱) البته واژه شیعه با جمع آن، یازده مرتبه در قرآن به کار رفته و در چهار معنا، صورت بسته است:

۱. گروه و جمعیت (انعام / ۱۵۹)؛
۲. خاندان، نسب و اصحاب (قصص / ۱۵)؛
۳. پیرو، طرفدار و هوادار یک مذهب (مریم / ۶۹)؛
۴. دسته و گروه پراکنده (انعام / ۶۵؛ عظیمی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

شیعه در اصطلاح

نجاشی می‌گوید:

شیعه کسی است که به هنگام اختلاف مردم در رأی پیامبر صلی الله علیه و آله به گفتار علی علیه السلام رجوع می‌کند و به هنگام اختلاف مردم در رأی علی علیه السلام به سخن جعفر بن محمد علیه السلام مراجعه می‌نماید. (نجاشی، بی‌تا: ۱۲)

برخی دیگر معتقدند شیعیان جمعی از دوستان امام علی علیه السلام هستند که او را بر سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله «افضل» می‌دانند. (اشعری، بی‌تا: ۱۳) شیخ مفید پیروی توأم با اعتقاد به امامت علی علیه السلام آن هم بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را در معنای شیعه دخیل می‌داند. (مفید، ۱۳۹۵: ۳۹) ابن حزم اندلسی قید «افضلیت» امام علی علیه السلام بر سایر اصحاب را مشخصه شیعه می‌داند و اضافه می‌کند شیعه علی علیه السلام و فرزندان او را برای زعامت و امامت مردم شایسته می‌بیند. (اندلسی، بی‌تا: ۲/۲۷۰) شهرستانی «شایستگی برای امامت» را مقید به نص می‌خواند، خفی باشد یا جلی. (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۴۶)

شایان ذکر است، می‌توان در تعریفی نو گفت: شیعه به گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که امام علی علیه السلام را پس از پیامبر صلی الله علیه و آله افضل مردم می‌دانند و به امامت او و فرزندان او قائل‌اند، چه با نص جلی و چه با نص خفی (و حتی بدون آن). (با تصرف: ملک‌مکان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴)

تاریخ پیدایش شیعه

درباره تاریخ پیدایش شیعه مانند تعاریف آن اختلاف است و در نگاه کلی درباره تاریخ تشکیل تشیع دو دیدگاه وجود دارد:

۱. جزیره‌العرب؛

۲. خارج از جزیره‌العرب.

دیدگاه اخیر یا صفویه را منشاء تأسیس شیعه می‌خواند، (محمودی، ۱۳۹۷: ۲ / ۳۵) یا حکومت آل‌بویه را در قرن چهارم و پنجم هجری (همان: ۳۳) و یا آن را در پی ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد سوم (آخرین پادشاه ساسانی) جستجو کرده و تأسیس آن را به ایرانیان نسبت می‌دهد. (ابراهیم‌حسن، ۱۳۸۹: ۱ / ۲۴۹)

دیدگاه نخست نیز یا تولد شیعه را به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گرداند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۸: ۱۸۴) و معتقد است شیعه در زمان شخص پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمد، (مظفر، ۱۳۶۸: ۹ - ۸) به‌عنوان نمونه، اشعری قمی و نوبختی به استعمال واژه شیعه و اطلاق آن بر دوستان علی علیه السلام در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله رأی داده‌اند، (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۳؛ نوبختی، ۱۳۹۲: ۳۱ و ۳۹) یا تاریخ آن را به پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای سقیفه بر می‌گرداند، (نوبختی، ۱۳۹۲: ۴؛ یعقوبی، ۱۳۸۹: ۲ / ۱۲۴) یا به هنگامه شورش مردم بر ضد عثمان می‌دانند، (اندلسی، بی‌تا: ۱ / ۲۷۳) یا در آغاز حاکمیت امام علی علیه السلام؛ چه به هنگامه خروج سپاه برای جنگ با ناکثین باشد، (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۲۶۳) یا در جنگ صفین که باعث تفکیک شیعه از خوارج شد. (به نقل از مونتگمری وات: فیاض‌بخش، ۱۳۸۱: ۳۷)

جعفریان معتقد است نخستین سند حاکی از اطلاق شیعه بر پیروان امام علی علیه السلام نامه شیعیان کوفه به امام حسین علیه السلام است؛ (جعفریان، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۹) ولی مورخانی مانند طبری (طبری، بی تا: ۲/ ۶۳ - ۶۱) و مفسرانی چون سیوطی، (سیوطی، ۱۳۸۷: ۸/ ۵۸۹) از کاربرد واژه شیعه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله پرده برداشته‌اند که امام علی علیه السلام را پیشوای قوم و شیعه و پیروانش را رستگار خوانده است.^۱ باری، از دیرباز، عطف توجه به تفکر شیعی، پراکنش جغرافیایی و کنکاش در جریان‌ها و تحولات شیعیان مورد توجه حاکمان بوده است. این مسئله را می‌توان شیعه‌شناسی غیرآکادمیک و نوعی تاریخچه آن محسوب کرد.

۱. بیان مسئله

مطالعات شیعی (شیعه‌شناسی)، (Shiite studies)، به‌عنوان نوعی از مطالعات آکادمیک است که: اولاً، مستقل است و فارغ از مذاهب دیگر دنیای اسلام، جمعیت شیعیان را مطالعه و توصیف می‌کند که در مراکز شیعه‌شناسی به قصد پر نمودن خلأ فقدان اطلاعات دقیق برای فهم، و تحلیل جمعیت شیعیان است. پس همه این مراکز، آموزشی یا پژوهشی، به همراه رسانه‌های مجازی و مراکز انتشاراتی ذیل عنوان «مراکز شیعه‌شناسی» قرار می‌گیرند. ثانیاً، نوع مطالعاتی که صورت می‌گیرد، عمدتاً از نوع مطالعات فرهنگی و اجتماعی بوده و جنبه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی تشیع را در فضاهای داخل مذهب و در فضاهای اسلامی شیعیان یا تشیع مورد مطالعه قرار می‌دهد. ثالثاً، از آنجاکه انقلاب اسلامی ایران توانست برپایه تفکر شیعی، موج جدیدی از تحول را در جهان بیافریند و افزون بر گسترش جغرافیای شیعی، نگاه‌ها به جمهوری اسلامی ایران گسترده‌تر شد و مراکز شیعه‌شناسی در این فضا شکل گرفتند، پرداختن به آن موجه و انتظار می‌رود، مؤثر باشد. بنابراین شیعه‌شناسی، جمعیت شیعه را مطالعه می‌کند، نه اعتقادات مذهبی شیعه را و اگر جنبه‌های مکتبی و اعتقادات مذهبی، مطالعه و بررسی شوند، تشیع‌شناسی صورت گرفته است. باید توجه داشت که وظیفه مراکز شیعه‌شناسی مطالعه و تبیین است، تا پیروان مکتب تشیع را از زاویه علوم مختلف شناسایی و تحلیل نماید و فهمی چندجانبه و منطبق بر معیارهای علمی از شیعیان گرد آمده و همچون آماری که در هر کشور، پایه برنامه‌ریزی‌هاست، پایه برنامه‌ریزی‌های اساسی در جمعیت‌های شیعی جهان باشد. خروجی این مراکز مبنایی برای اقدامات سازمان‌های دیگر قرار

۱. در خصوص تاریخ پیدایش شیعه به نمودار دیدگاه‌ها در پایان مقاله مراجعه شود.

خواهد گرفت، برای نمونه سازمان تجارت و توسعه می‌تواند نوع فعالیت‌های تجاری خود را در مناطق مختلف شیعه‌نشین از طریق دستاوردهای علمی مرکز یادشده تعیین کند و کارها دقیق‌تر و بازدهی، بیشتر خواهد بود.

قدرت تأثیرگذاری این تولیدات به حدی است که می‌تواند سیاست‌ها و برنامه‌های اصلی و بلندمدت فرهنگی و فکری یک کشور را مشخص و جهت‌دار کند. پس شناخت از یک پدیده فکری و فرهنگی می‌تواند نقاط قوت و ضعف و شیوه مواجهه با موانع پیشرفت یا تقویت عوامل رشد آن را مشخص نماید.

اینگونه صاحبان این مراکز تلاش کردند با تأسیس آن دست به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی - و حتی انتشاراتی - زده و برای اهداف تعیین‌شده و در راستای تأثیرگذاری آن، تولیدات فکری خود را عرضه کنند.

از آن سو در وضعیت کنونی منطقه و جهان که چپ‌نشین قدرت‌های ایدئولوژیک اسلامی (سنی و شیعی)، قدرت‌های لیبرالیسم و صهیونیسم و همچنین اندیشه‌های مارکسیستی منطقه و جهان را دگرگون کرده، نقش و مأموریت مراکز «شیعه‌شناسی» فوری‌تر و حیاتی‌تر است و تحقیق حاضر به همین دلایل به نقاط قوت و ضعف «شیعه‌شناسان»، روش‌ها، تولیدات و چشم‌اندازهای آنان توجه نموده است.

پس محور کانونی تحقیق، پاسخ به صورت‌بندی ساختاری و محتوایی مراکز شیعه‌شناسی داخل کشور است؛ حال آیا وضعیت موجود آنها توان تولید اطلاعات کمی و کیفی متناسب با رویکردهای متفاوت و چندرشته‌ای پیرامون جامعه شیعیان جهان را دارد یا خیر؟ اینک پس از سه دهه شکل‌گیری مراکز شیعه‌شناسی باید شناختی از وضعیت موجود این مراکز حاصل شود، تا نتایج آن مورد بهره‌برداری طراحان و برنامه‌ریزان خود آنها و دیگرانی که قصد دارند مراکزی این‌چنینی دایر کنند، باشد.

بنابراین مسئله تحقیق پیش‌رو، شناسایی مراکز شیعه‌شناسی و نیز تحلیل وضعیت موجود و مطلوب این مراکز با توجه به معیارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی آنها است.

۲. ضرورت مسئله

ضرورت وضعیت‌شناسی تحلیلی مراکز شیعه‌شناسی به شکل زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. امکان انباشت تجربیات و شناسایی نقاط قوت و ضعف مراکز شیعه‌شناسی فراهم گردد، تا

مبنای برنامه‌ریزی دوباره در این سازمان‌ها گردد و دگرذیسی در مراکز موجود پس از گذار از دوران تأسیس، به‌نحو احسن صورت پذیرد.

۲. فعالیت‌های فردی و جمعی این مراکز از واکنش و انفعال، تبدیل به کنش‌گرا و فعال شود.

۳. از تقلیل‌گرایی و خروج از محدودیت روش‌شناختی و علمی در این مراکز و پرداختن به جنبه‌های دیگر شیعه‌شناسی در کنار جنبه‌های اعتقادی شیعیان کاسته شود.

۴. بهره‌گیری از نظریه‌ای پشتیبان در برنامه‌ریزی‌های علمی و اجرایی مراکز، امکان‌پذیر شود، تا با اجرا و ارزیابی و نقد مستمر آن بتوان مبانی نظری، فکری و فلسفی شیعه‌شناسی را ارتقا داد و بر عمق و وسعت این رشته علمی افزود.

۵. امکان استفاده از استعداد‌های قابل رشد فراوان در میان طلاب داخلی و خارجی که با تحول شکلی و محتوایی این مراکز قادرند به محققان و مؤلفان مفیدی در عرصه شیعه‌شناسی تبدیل شوند، فراهم آید.

۶. هم‌افزایی، همپوشانی و همکاری مراکز مختلف موجود در داخل کشور جهت پرهیز از دوباره‌کاری، و خطاهای علمی و اجرایی در این رشته و نیز صرفه‌جویی در سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، محقق شود.

۳. صورت‌بندی مراکز شیعه‌شناسی کشور

۱-۴. مراکز آموزشی و پژوهشی شیعه‌شناسی

مراکز دانشگاهی که رشته یا رشته‌هایی با عنوان و سرفصل‌های مرتبط با شیعه‌شناسی را در فعالیت‌های آموزشی خود لحاظ نموده‌اند و در این رشته‌ها دانشجو می‌پذیرند را می‌توان در این دسته از انواع مراکز شیعه‌شناسی قرار داد. دلیل عنوان «آموزشی و پژوهشی» از آن‌روست که این مراکز آموزشی به فراخور نیاز اصلی خود در تهیه و تدوین سرفصل‌ها و واحدهای درسی نیازمند امر پژوهش بوده و با پژوهش‌های کلاسی و پایان‌نامه‌ها برای رتبه‌بندی و احراز صلاحیت دانش‌آموختگان بهره می‌گیرند.

مراکز یادشده از دریچه آموزش و الزامات آن به مباحث شیعه‌شناسی ورود کرده‌اند و اینکه ساختار سازمانی آنها متناسب با این‌گونه رویکردها است.

این دسته از مراکز شیعه‌شناسی در میانه انتخاب دو‌گانه «تشیع‌شناسی» و «شیعه‌شناسی» متمرکز بر دومی هستند و در آیین‌نامه‌های آموزشی خود بر تفکیک این دو از هم تأکید می‌کنند؛ اما اینکه تا چه حد در عمل موفق به مرزبندی با مباحث مکتب‌شناسانه شده‌اند، جای بررسی دارد. اهم مراکز مزبور شیعه‌شناسی عبارتند از:

۱. مؤسسه آموزشی عالی حوزوی امام رضا علیه السلام در قم؛

۲. دانشگاه اصفهان (رشته شیعه‌شناسی)؛

۳. دانشگاه ادیان و مذاهب در قم؛

۴. جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله در قم؛

۵. دانشگاه قم (گروه شیعه‌شناسی)؛

۶. پردیس فارابی دانشگاه تهران در قم.

در این دسته از مراکز آموزشی و پژوهشی شیعه‌شناسی، استثنائاً مرکزی حوزوی هم وجود دارد که هویت، رویکرد، روش و محتوای کار خود را از حوزه اتخاذ کرده و بر امر آموزش متمرکز گردیده است؛ یعنی مرکز آموزش تخصصی شیعه‌شناسی حوزه علمیه قم. (تحت اشراف آیت‌الله مکارم شیرازی) این مرکز علی‌رغم استفاده از روش‌های نوین آموزشی، رویکرد خود را بر تربیت اساتید مدرس و مبالغ مباحث شیعه متمرکز نموده، ماهیت بیشتر تولیدات مکتوب این مرکز نشان از کفه سنگین مباحث کلامی و تاریخی شیعیان دارد و مباحث جامعه‌شناسانه کمتر مورد توجه بوده است. این مرکز را به جز رویکردهای علمی و روشی داخلی که دارد، می‌توان در دسته‌بندی مراکز آموزشی و پژوهشی قرار داد؛ زیرا آموزش، وجه غالب فعالیت آن بوده و سایر فعالیت‌ها ذیل آن تحقق پیدا می‌کند. گروه‌های آموزشی این مرکز شامل کلام جدید و قدیم، فرق و مذاهب و تاریخ و جغرافیای شیعه است که تمرکز مدیرانش را بر کلام و تاریخ تشیع نشان می‌دهد. تولیدات نرم‌افزاری، جزوه‌ها، بروشورها، پایان‌نامه‌ها و مقالات دفاع و تولیدشده، همگی با همین رویکرد تولید و فارغ‌التحصیلان این مرکز اغلب در مراکز حوزوی و نمایندگی‌های ولی‌فقیه و در نهادهای مشغول به تدریس و یا خدمات فرهنگی گردیده‌اند. مراکز شیعه‌شناسی دیگری، مانند شیعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه یزد و نیز مراکز حوزوی دیگری وجود دارند که در این پژوهش از آنان یاد نشده است؛ زیرا محقق با جامعه آماری ارائه‌شده به نتایج اغناء کننده‌ای رسیده است که مبنی بر آن رویکردهای مراکز یادشده را صورت‌بندی نماید.

۲-۴. مراکز پژوهشی و آموزشی شیعه‌شناسی
مراکزی است که مبنای تأسیس و فعالیت خود را انجام مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با شیعیان قرار داده‌اند. مراکز سه‌گانه: مؤسسه شیعه‌شناسی، مجمع جهانی شیعه‌شناسی و گروه جامعه‌شناسی تشیع در این تقسیم‌بندی جای می‌گیرند.

این مراکز در رویکردها، روش‌ها، فعالیت‌ها و تولیدات با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند؛ اما هر سه مرکز یادشده، سازماندهی و تولیدات خود را متناسب با امر پژوهش معرفی می‌کنند. در حرکت متعادل میان دوگانه «شیعه‌شناسی» و «تشیع‌شناسی» دو مرکز «مؤسسه شیعه‌شناسی» و «گروه جامعه‌شناسی تشیع» با دقت بیشتری نسبت به تمام مراکز شیعه‌شناسی و نیز عضو دیگر خود «مجمع جهانی شیعه‌شناسی» عمل کرده‌اند. این دو مرکز با نگاهی میان‌رشته‌ای به شیعه‌شناسی و تشیع از ظرفیت‌های دو رشته الهیات و علوم اجتماعی بهره گرفته و موضوعات، روش‌ها و تولیدات خود را با هم‌بند رویکرد به انجام رسانده‌اند.

مطالعه روش‌مند گروه‌ها و جوامع شیعی با تمرکز بر جنبه‌های مردم‌شناسانه، آسیب‌شناسانه و آینده‌شناسانه در اهداف و برنامه‌های این دو مرکز نمایان است.

معرفی مختصر مراکز یادشده

۱. «مؤسسه شیعه‌شناسی»؛ این مرکز با سابقه‌ای طولانی‌تر، رزومه‌ای پربارتر از دیگر مراکز دارد و توانسته تولیدات خود را در ابعاد کمی و کیفی مدیریت نماید و به حد استاندارد اینگونه مراکز نزدیک نماید. در تولیدات مکتوب این مرکز، توجه به جنبش‌های اجتماعی مرتبط با شیعیان و برگرفته از تعالیم شیعه و توجه به مناطقی از شهرهای ایران یا سایر شهرها و کشورهای جهان بسیار مفید و منجر به تولید اطلاعات دسته اول و کاربردی در این زمینه‌ها گردیده است. همچنین جنبه‌های اجتماعی مناسک دینی که رویکرد شیعی دارند، همچون عاشورا و عقاید شیعی که در اجتماع و اداره آن دخیل هستند، مانند جهاد و عدالت مورد توجه مؤسسه یادشده بوده است.

نقد بازتاب‌های مختلفی که از عقاید و مجامع شیعی در دایرةالمعارف‌ها و آثار نویسندگان داخلی یا خارجی پدیدار گشته از دیگر فعالیت‌های مبارک این مرکز است که مجموعه این رویکردها و تولیدات باعث ارتقای جایگاه این مرکز در میان تمام مراکز شیعه‌شناسی در کشور گردیده است. البته تولیدات و کلیات طرح و برنامه‌های این مرکز خالی از ضعف و انتقاد نیست.

۲. «گروه مطالعاتی جامعه‌شناسی تشیع»؛ این مرکز در میان مراکز شیعه‌شناسی از ویژگی خاصی برخوردار است. اول اینکه دغدغه اصلی مؤسسان آن بیش از اینکه عقاید شیعیان باشد، «جامعه‌شناسی» است، یعنی دریچه ورود آنها به تمام مباحثی که با تشیع و شیعیان مرتبط است، علم جامعه‌شناسی و رویکردها و روش‌های همسو و هم‌جهت با علوم اجتماعی است.

این مرزبندی در حفظ نگاه بیرونی به دین و در اینجا تشیع و محدود نمودن به مباحثی که یا توسط جامعه‌شناسان بدان‌ها پرداخته شده، یا در تبیین و انجام آنها از روش‌ها و نظریات علوم

اجتماعی استفاده گردیده، بر لحن، رویکرد، نیروی انسانی، اقدامات اولیه در این گروه مؤثر بوده است. اهم ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها و اقدامات این گروه عبارتند از: نوع بیان علمی، عدم اصرار بر حقانیت و ارزش ایدئولوژیک موضوعات تحقیقی، استفاده از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بدون اصرار بر مطالعات حوزوی و دینی روش‌مند آنها و شناسایی منابع اولیه در رشته جامعه‌شناسی تشیع.

گروه جامعه‌شناسی تشیع با توجه به تفاوت‌های ماهوی و روشی که با دیگر مراکز شیعه‌شناسی دارد، از دو خصوصیت دیگر نیز برخوردار است:

یک. ارتباط نزدیک‌تر و استفاده از نظریات اساتید دانشگاهی و نیز روشنفکرانی که در حوزه مکتب تشیع و زندگی شیعیان تولید محتوا نموده‌اند.

دو. به ضرورت شناسایی منابع، قرار گرفتن در مسیر «آمایش منابع علمی شیعیان با رویکرد علوم انسانی» است.

البته می‌توان تأملاتی چه در ویژگی‌های یاد شده و چه در رویکرد کلان، این گروه که پرداختن به تشیع به‌عنوان موضوع و مطالعه آن از منظر روش‌شناسی و نظریات علوم اجتماعی است، داشت.

۳. «مجمع جهانی شیعه‌شناسی»؛ هدف اصلی از تأسیس آن پرداختن به پژوهش‌هایی است که کاشف از ارزش‌های مکتب شیعه دارد و محتوا و رویکرد تمام فعالیت‌های مرکز هم تا حدود زیادی متناسب با همین نگاه ارزش‌مدارانه و تبلیغی و ترویجی شکل گرفته است.

دلیل پراکندگی و گوناگونی فعالیت‌های این مرکز را می‌توان در بازگذاشتن ابتدایی اهداف و مأموریت‌های آن با عنوان اثبات حقانیت و دفع شبهات و معرفی هرچه بهتر مکتب متعالی تشیع دانست. طبیعی است که در ذیل این اهداف کلی فعالیت‌های پژوهشی، تبلیغی، ترویجی، انتشاراتی، حضور در فضای مجازی، تولیدات رسانه‌ای، تأسیس کتابخانه‌های موضوعی و حتی تأسیس شبکه‌های تلویزیونی و دانشگاه بین‌المللی هم جای گرفته است.

باید دانست که در نگاه ابتدایی حجم فراوان طرح‌ها و برنامه‌های روی کاغذ و یا انجام‌گرفته، امتیاز این مرکز قلمداد می‌شود که با نگاه کمی هم سازگار و پذیرفتنی است؛ اما فقدان تمرکز بر یک یا چند هدف مشخص و پرداختن به انبوهی از فعالیت‌ها هرچند مرتبط با عنوان کلی شیعیان و تشیع منجر به آسیب‌ها و کمبودهایی در کار می‌گردد.

۳-۴. مراکز پژوهشی و انتشاراتی

خروجی مراکز مزبور در قالب مقاله، یا کتاب و نقشه‌های تاریخی و جغرافیایی در شکل کاغذی، متن اینترنتی و سایر اشکال رسانه‌ای است:

۱. «مرکز دایرةالمعارف تشیع»؛ دانشنامه‌ای است در برگیرنده موضوعات مختلف جهان تشیع با گستره‌ای از مباحث کلامی، اعتقادی، فقهی، اصولی، تاریخی، جغرافیایی و علمی و فرهنگی، آنچه از اسناد و اطلاعات منتشرشده این مرکز در پی می‌آید، رویکرد محتوامحور و معطوف به تولید مقالات روش‌مند و هدف‌مند پیرامون مذهب، زندگی و فرهنگ شیعیان است.

مرکز یادشده الزامات رسیدن به هدف خود را گردآوردن افراد شاخص و باتجربه‌ای که در فضای فلسفی، فرهنگی و تحقیقاتی کشور حضور دارند، دانسته و به‌طور نسبی در این امر موفق بوده است. همچنین تهیه شیوه‌نامه‌ای منطبق با اشکال و محتوای مقالات که جنبه‌های صوری و علمی تولیدات را نظم دهد و راهنمای نویسندگان باشد، نیز از فعالیت‌های این مرکز بوده و به‌طور کلی بر تجربه دانشنامه‌نویسی در کشور افزوده است.

۲. «مؤسسه فرهنگی - هنری اطلس تاریخ شیعه»؛ این مرکز با بهره‌گیری از منابع پرشمار تاریخی و جغرافیایی اعم از مصادر کهن و جدید و به‌کارگیری مؤلفه‌های دیداری، مانند: نقشه، تصویر و ساختارهای بدیع دیگر در پی نمایش و ارائه اطلاعات دقیق و مستند است که براساس روش‌های علمی متناسب به‌دست آمده است.

اطلاعات مذکور پیرامون اماکن، افراد، حوادث، تحولات فرهنگی و طبیعی و تمامی فضاهای تاریخی و جغرافیایی است که ظرف زمانی، مکانی و فرهنگی پیدایش و رشد و گسترش مکتب تشیع را در بر می‌گیرد.

این خروجی از خاص‌ترین تولیدات مراکز شیعه‌شناسی بوده و تنوع دیداری و جذابیت بصری تولیدات که پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی را با زبان تصویر، ارائه نقشه‌ها و نمودارها و ارجاعات مکانی و زمانی همراه نموده‌اند، امتیاز آن بر سایر مراکز است.^۱

۵. ارزیابی و نقد

ارزیابی به‌معنای فرایند صدور حکم براساس اطلاعات لازم و با استناد به هنجارها یا ملاک‌های مناسب است. (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸) نقد نیز به‌معنای سخن‌سنجی و به‌گزینی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۲۶۵۶) تمیز سره از ناسره (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۲۱) و تشخیص معایب و محاسن ادبی (معین، ۱۳۶۰: ۴ / ۴۷۸۴) است. در اصطلاح نیز نقد را به واریسی یک نوشتار (گفتار یا رفتار) برای شناسایی بایستگی و نبایستگی تعریف کرده، (شریفی، ۱۳۹۰: ۸۴) مراعات اصول اخلاقی را برای آن

۱. به نمودار دسته‌بندی مراکز شیعه‌شناسی بر مبنای رویکردها و تولیدات در پایان مقاله مراجعه شود.

لازم شمرده (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۶) و توصیف را از مراحل اساسی آن شمرده‌اند، هرچند سرانجام به داوری خواهد انجامید. با آنکه نقد، صورت‌هایی مانند: نقد محتوا، صورت، اخلاقی، تطبیقی و تاریخی دارد، (ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۶۱ - ۱۵۸) در اینجا، نقد ارائه‌شده تلفیقی است و محتوا و رویکرد و مانند آن را در برمی‌گیرد.

۱-۵. نقد مراکز

۱-۵-۱. مدار دوگانه «شیعه‌شناسی» و «تشیع‌شناسی»

مهم‌ترین نقد به مراکز شیعه‌شناسی و فعالیت‌های آنها حرکت بر مدار دوگانه «شیعه‌شناسی» و «تشیع‌شناسی» است. البته شیعه و شیعیان محل تحقق مذهب تشیع هستند و همچون ظرفیتی بالقوه، تمامی مکتب تشیع را می‌توانند در خود جای دهند. از سوی دیگر تشیع مطروف و محتوای فکری، ایمانی و عملی شیعیان را تأمین می‌کند و هویت آنها را تشکیل می‌دهد. این پیوستگی ذهنی و عینی باعث گردیده، فعالیت در این دو حوزه به نوعی هم‌پوشانی و نداشتن مرز تحقیقاتی و علمی مشخص گردد.

شایان ذکر است که در بین مراکز شیعه‌شناسی داخل کشور در دو مرکز «مؤسسه شیعه‌شناسی» و «گروه جامعه‌شناسی تشیع» به این بی‌مرزی و عدم تعیین شفاف میان این دو حوزه توجه بیشتری شده و سعی گردیده در برنامه‌ریزی و تعیین اهداف و طراحی تولیدات آموزشی و پژوهشی تفاوت این دو لحاظ گردد و بیشتر بر فعالیت‌های «شیعه‌شناسی» پرداخته شود.

طبیعی است که در این دو مرکز، تحقیقات و تولیداتی که صبغه جامعه‌شناختی، مردم‌شناسانه و مبتنی بر تحقیقات میدانی و روش‌شناسی‌های علوم انسانی دارد، برجسته‌تر باشد. از نظر نگارنده صرف توجه به این دوگانگی میان حوزه‌های تحت پوشش مطالعات «شیعه‌شناسی» و علوم «تشیع» نقطه‌قوت این مراکز است و در صورت هرچه بیشتر خود، آگاه شدن اعضای هیأت علمی و پژوهشگران و فعالان این مراکز بر تفاوت دائمی، روشی و کارکردی این دو حوزه به تحقق اهداف هر دوی این علوم یاری می‌رساند.

اغلب هم این الزامات بیرونی و تحمیل حوزه‌های کلان‌تر، برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی است که نظم درونی این مراکز را در حرکت متمرکز بر اهداف مشخص و معین‌شان تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در واقع به غیر از عامل «سپهو» که می‌تواند ناشی از ضعف در نگاه و محدودیت افق دید و همچنین نوع مسئله‌شناسی مؤسسان این‌گونه مراکز باشد، چند عامل در تشتت روشی، تولیداتی، فعالیتی و رویکردی مراکز شیعه‌شناسی مؤثر است که اینک به صورت زیر فهرست شده است:

۲-۱-۵. غلبه نگاه کمی

باید توجه داشت که این مسئله در سنت تازه‌های آموزشی، پژوهشی و رشد متناسب و دورافتاده از جریان اصلی تحقیقاتی و علمی جهان ریشه دارد. ویژگی مزبور باعث توجه به آمار و ارقام در توصیف کارکردی و توجیه تدارکاتی و هزینه‌های مراکز شده و لذا جهت جذب بودجه و افزایش راندمان و جذب مجدد بودجه، دست به انجام پروژه‌هایی خارج از اهداف معین می‌زنند. این فعالیت‌های پراکنده گاه محدود به دو حوزه «شیعه‌شناسی» و «تشیع‌شناسی» می‌گردد که تا حدودی قابل درک و اغماض است و گاه بر اموری دورتر و غیرقابل توجیه همچون چاپ و نشر کتب نامرتبط و حضور در مناسبات با مراکز و ارگان‌های علمی و اجرایی که فاقد بازده مشخص و همسو با اهدافشان است، می‌گردد؛ همچنین طراحی برنامه‌ها و زیرمجموعه‌های پراکنده، ساخت ساختمان‌های اضافه، جذب نیروی انسانی مازاد، استفاده ناهمگون با ساختار و محتوای کار مراکز نشانگر غلبه کمی و بالابردن راندمان و جذب بودجه بیشتر است.

۳-۱-۵. موازی‌کاری و رقابت‌های نه‌چندان سالم

گاه حرکت خارج از برنامه یک مرکز و فعالیت‌های پراکنده؛ اما چشم‌پُرکن آنکه در رسانه‌ها و محافل اداری و وزارتی منعکس می‌گردد، رقابتی ناسالم را در میان مراکز دیگر برای رسیدن به سطح بالاتری پیش می‌آورد، برای نمونه یک مرکز کتابی (نه‌چندان مربوط به شیعه‌شناسی) رونمایی نموده و این در رسانه‌ملی و نشریات سراسری انعکاس یافته و مراکز دیگر تحریک می‌گردند، نمونه کار آن را طراحی کنند، تا در منظر دید بیرونی قرار گیرند.

پس رقابت ناسالم و خارج از موضوع با مراکز دیگر شیعه‌شناسی در طراحی و اجرای برنامه‌ها و تولیدات، عاملی است برای نادیده گرفته شدن خطایی که در ابتدا گفته شده است. از نظر پژوهش حاضر موازی‌کاری مراکز یادشده در سه حیطة قابل پیگیری است:

اول، موازی‌کاری ناشی از اهداف ترسیمی و تأسیسی مراکز؛

دوم، موازی‌کاری ناظر بر اشتراک منشورات؛

سوم، موازی‌کاری معطوف بر اشتراکات متون درسی و پژوهشی.

این اشتراکات به‌نحو کافی می‌تواند موازی‌کاری مراکز را بازتاب و انعکاس دهد.

۴-۱-۵. عدم رعایت اولویت در تولیدات

گاه عضوی از اعضای هیئت‌مدیره و علمی این مراکز براساس حوزه‌های کاری خود یا علایق علمی و اعتقادی که دارد، دست به تولید محتوا زده و مرکز مربوط نیز بنا به مصلحت سازمانی یا مصالح دیگر،

دست به انتشار آن مطلب با علم بر اولویت نداشتن آن مسئله می‌زند. بسیاری از تک‌نوشته‌ها و گاه میزهای کاری خاص در این‌گونه مراکز ناشی از همین فرایندها می‌باشد.

۵-۱-۵. فقدان «صورت‌بندی جامع» از «مسائل»

مراکز شیعه‌شناسی داخل کشور، فاقد «صورت‌بندی جامع» از مسائل شیعیان در تاریخ و جغرافیای فعلی حیات آنها هستند. آنچه که اکنون مشاهده و در غالب مراکز شناسایی شده، موضوعات پراکنده‌ای هستند که نهایتاً ذیل ساختاری پژوهشی یا آموزشی سامان یافته‌اند و بیرون از ساختار سازمانی مراکز، فاقد پیوستگی، تقدم و ترتب منطقی و همبستگی درونی که توان همپوشانی جهان ذهنی و عینی شیعیان را دارا باشند، هستند.

ناگفته پیداست که ویژگی مزبور، ریشه‌هایی در بدو تأسیس و مراحل پیش از شکل‌گیری این مراکز دارد. مثلاً پس از تشکیل گروه‌های مطالعاتی مأمور به کار روی جمعیت شیعیان و عقاید ایشان در مراکز غربی و بعضاً شرقی و حتی اسرائیلی، موجی از اشتیاق و تقاضا در به‌وجود آوردن مراکز شیعه‌شناسی در کشور پدید آمد. بخشی از این حرکت و اشتیاق منطقی و طبیعی به‌نظر می‌آید؛ زیرا فعالیت پژوهشی و آموزشی جریانات رقیب و گاه معاند در این حوزه حاشیه‌ای از شبهات و انحرافات و تحریفات فکری و علمی و اعتقادی را در اطراف جوامع شیعه و عقاید شیعیان ساخت و پرداخت که ضرورت پاسخگویی و ایجاد جریان موازی صحیح و درعین‌حال پاسخگو به آنها قابل انکار نبود.

دیگر اینکه از دیدگاه ایجابی نیز لزوم ایجاد و تأسیس مراکز شیعه‌شناسی داخلی توجیه پیدا کرد؛ چون اگر دیگران غیرشیعه و غیرهمسو با شیعیان و به‌طور کلی دین و دیانت به ضرورت کار روی جمعیت‌ها و عقاید شیعیان اقدام نموده‌اند و درهمین‌راستا به اهداف تولید محتوای کمی و کیفی مختلف نیز نائل گردیده‌اند، چرا خود شیعیان نباید دست به ایجاد این‌گونه مراکز بزنند و محتواها و آمار مطمئن و قابل اتکای خود را تولید نمایند؟

گرچه دو دلیل یادشده برای اقدام سریع در زمینه فعالیت‌های شیعه‌شناسی داخل کشور موجه و پذیرفتنی است، همین اقدامات سریع و شرایط خاص در خطر بودن هویت اعتقادی و اجتماعی شیعیان، آفات و آسیب‌هایی را در این حوزه از فعالیت‌ها، زمینه‌سازی و نهادینه کرد.

یکی از آفت‌ها برخورد انفعالی با شیعه‌شناسی و در نتیجه رویکردهای غیرفعال در برنامه‌ریزی و طراحی رشته‌ها و ساختارهای سازمانی است: در رویکرد فعال نیازها، استعدادها، اقتضائات و امکانات علمی و اجرایی داخل کشور و درون مکتب تشیع مدنظر قرار می‌گیرد و براساس آنها برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، هزینه، امکانات و الزاماتش فراهم می‌شود و محدودیت‌های زمانی و مکانی طرح‌ها نیز

لحاظ می‌گردد؛ اما در رویکرد انفعالی، کافی است تا مراکز خارجی شبهه‌ای در موضوعی مطرح کنند؛ تا مراکز داخلی مباحث و تولیدات خود را معطوف به آن نمایند و بعضاً مراکزی جدید برای پاسخگویی به آن شبهه و تحریف بیرونی تأسیس کنند.

حرکت انفعالی هرچند قابل توجیه، باعث بی‌توجهی به برخورد مبنایی با تأسیس ابتدایی این مراکز و توسعه و برنامه‌ریزی مؤثر و کارا در مراحل بعدی حیات آنها شده است. نبود آمایش سرزمینی شیعه که تمامی اقتضائات اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و علمی آنها را رصد و دسته‌بندی کند و براساس آن اقدام به ایجاد مراکز مسئول و مرتبط با رفع نیاز مربوط نماید و استعدادها را همسو با آن نیازهای دسته‌بندی‌شده آموزشی و تربیتی کند، گمشده اصلی حوزه فعالیت‌های مراکز شیعه‌شناسی در داخل کشور است.

اصولاً به دلیل انفعالی بودن شکل‌گیری مراکز شیعه‌شناسی در کشور، شیعیان و تشیع هنوز به یک مسئله برای برنامه‌ریزان و مؤسسان مراکز علمی و پژوهشی تبدیل نگردیده و بیشتر موضوعیکسانی هستند که می‌توان فعالیت‌هایی را در حول و حوش آن سامان داد و زمانی و مکانی هم بدان اختصاص داد و مرکزی را ثبت و تأسیس نمود.

باید دانست اگر شیعیان و تشیع همچنان که برای مراکز خارجی مرتبط یک مسئله است و حیات آنان در گروهی فهم دقیق‌تر، اشراف بیشتر و دستیابی به قواعد نظارت، کنترل، تحلیل و تفسیر و در ادامه، تأثیرگذاری بر آنها قرار گرفته، برای مراکز شیعه‌شناسی کشور هم مسئله می‌شد، آن وقت نوع ورود، برخورد، تخمین، تأمین، ترمیم و طراحی و برنامه‌ریزی و اجرای در این مراکز به‌گونه‌ای دیگر شکل می‌گرفت و در نتیجه این ورودی‌ها و طی این مراحل قطعاً خروجی‌هایی با کمیت و کیفیت متناسب‌تر با مسائل مبتلابه حاصل می‌گردید. خصوصیت نگاه مسئله‌مندانه، باز بودن باب گفتگو و تبادل دیدگاه‌ها و استدلال‌ها، و اجتهاد دائمی برای زنده ماندن تحقیق، ارزیابی و تطبیق و ایجاد گشایش‌های جدید در راهبردها و راهکارها، و اجماع جدید میان متفکران و صورت‌بندی‌های تازه‌تر از داده‌ها و روش‌های تحلیل آنهاست و نبود این نگاه «مسئله‌مندانه» در سطح عام و کلان کشور و ناهماهنگی در ایجاد و تأسیس مراکز شیعه‌شناسی به‌طور خاص وضعیتی را به بار آورده که شاید نمونه‌ای باشد از معضلی فراگیر که در بیشتر فعالیت‌های علمی و فرهنگی داخل کشور دیده می‌شود. در این امر باید به تفاوت رویکردهای آسیب‌شناسانه و نگاه‌های پاتولوژیکال با مسئله‌شناسی توجه نمود و از افتادن در دام این راه‌حلی‌هایی کوتاه‌مدت حذر کرد. در واقع مسئله‌شناسی در حوزه شیعیان، یعنی صورت‌بندی نظری تازه از مشکلات آنها و سعی در رسیدن به فهم و تحلیل جدید از

راهکارها که از فرایند مطالعه و مشاهده و تبادل نظر پیرامون مشکلات ایشان میسر گردیده است. تفاوت رویکرد یادشده با رویکردهای آسیب‌شناسانه مرسوم این است که در اینجا لزوماً رسیدن به علت تامه برای تمام مشکلات و یا راه‌حلهایی جامع برای آنها هدف نیست؛ بلکه هدف، رسیدن به تحلیل‌هایی از علت مشکلات، توصیفات از کلیت جامعه شیعیان و اجتهادی دائمی برای شناخت «عوامل» و «موانع» پویایی و رشد آنهاست.

به‌عنوان نمونه، نبود صورت‌بندی ساختاری و محتوایی از مسائل تشیع و شیعیان منجر به کمبودهایی اساسی در چرایی و چگونگی مراکز شیعه‌شناسی گردیده که به چند عنوان آن اشاره می‌شود:

یک. خرابکاری؛ هرکاری بدون تهیه مقدمات، لوازم و امکانات و نیز برنامه اجرایی مدون براساس نقشه راهی مشخص، دچار خرابی و خرابکاری می‌شود.

دو. کندکاری؛ تمام کمبودهای بند یک، اگر حتی با مجاهدت نیروی انسانی مؤمن و متخصص همراه گردد، باز هم کمترین آفت آن گرفتار شدن در کندکاری و پیشرفت اندک نسبت به هزینه‌ها و فعالیت‌های زیاد آن است.

سه. دوباره‌کاری؛ طبیعی است که وقتی چند مرکز همزمان به فعالیت در موضوعی خاص می‌پردازند و در درون و به خصوص بیرون مراکز، نقشه راهی مدون که مبانی، مبادی، مراحل، منازل، روش‌ها، مقاصد و اهداف و خروجی‌های فعالیت‌ها را نشان دهد، موجود نباشد، قطعاً به غیر از آفات خرابکاری و کندکاری به آفت دوباره‌کاری نیز گرفتار خواهند شد.

آفات مزبور علی‌رغم عناوین ساده می‌توانند سرمایه‌های یک یا چند نسل از فعالان پژوهش و آموزش را بی‌اثر نمایند و نیازهای چند نسل را بی‌پاسخ گذارده و سرشت و سرنوشت شیعیان و تشیع را به خطر اندازند.

۶-۱-۵. فقدان نگاه پارادایمیک به رشته‌های علمی

دانستیم که دوگانه شیعه‌شناسی و تشیع‌شناسی چنان درهم آمیخته‌اند که شناخت هر کدام بدون ورود به حوزه دیگری امکان‌پذیر نیست و در صورت اصرار در انجام هر یک از آنها به صورت مستقل، نمی‌توان توقع عمق و دقت در خروجی‌های آن رشته‌ها داشت؛ زیرا بنابر استعاره ظرف و مظروف و یا قالب و محتوا در دوگانه شیعیان و تشیع هر کدام در دیگری ظهوراتی داشته و این دو همچون آینه‌هایی روبه‌رو به پدیدار گشتن بهتر یکدیگر کمک می‌کنند.

طبق نظریه «پارادایم» فیلسوف معاصر، تامس کوهن، دانشمندان در هر زمانی از پارادایم (سرمشق) غالب پیروی می‌کنند و فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های فردی و جمعی علمی خود را در

چارچوب الگویی شکل می‌دهند. پارادایم نظرگاهی حاصل از مجموعه‌ای از اصول و قواعد مستدل و عام بدیهی و نیز مبانی نظری، اصول موضوعه و عناصر کلانی است که فعالیت علمی دانشمندان را با روش‌های معینی در حوزه‌های معرفتی هدایت می‌کند. (حسینی و علی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۱) در تکوین پارادایم‌ها در هر زمانی یک سری از اتفاقات پی در پی اتفاق می‌افتد تا یک یا چند الگو و سرمشق در محافل و مراکز علمی دانشگاهی و پژوهشگاهی غالب گردد.

اهمیت توجه به نظریه ساختار انقلاب‌های تامس کوهن از این بابت است که طبق آن «علم» و به تبع آن «نظریه‌ها و رشته‌های علمی» تنها در ساختار و جریان خاصی امکان ظهور و حیات پیدا می‌کنند. تصویری که کوهن از پیشرفت علم در فصول دوم تا یازدهم کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی* (کوهن، ۱۳۹۳) ارائه کرده را می‌توان چنین خلاصه کرد:

پیش علم ← علم عادی ← بحران ← انقلاب ← علم عادی جدید ← بحران جدید

کوهن، دانستن را که بیشتر دانشمندان تمام وقت خود را صرف آن می‌کنند و مبتنی بر اصول و مفروضات نظری مشترکی است که همگی آن را پذیرفته‌اند، «علم عادی» می‌نامد. قبل از آنکه دانشمندان بر سر این اصول و مفروضات توافق حاصل کرده باشند، فعالیت‌های آنها پراکنده بود و هریک روش خاص خود را دنبال می‌کردند و نتایج خاص خود را به دست می‌آوردند که اغلب مورد قبول دیگری نبوده است، این اطلاعات پراکنده را می‌توان «پیش‌علم» نامید.

در ادامه جریان، اگر عده‌ای بر سر جهان‌بینی خاصی توافق کردند و به زبان مشترکی رسیدند، علم عادی درون پارادایم واحدی شکل خواهد گرفت و پس از شکلگیری پارادایمی واحد، تمامی فعالیت‌های دانشمندان جهت واحدی پیدا خواهد کرد؛ اینجاست که پارادایم یا سرمشق در فلسفه کوهن، معیار تمییز علم از غیرعلم می‌گردد. (ناجی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۷۰)

نکته اساسی اینکه در مراکزی که شیعه‌شناسی به عنوان رشته آموزشی یا پژوهشی دنبال می‌شود، این مراحل در آن طی نشده و در واقع بدون داشتن یک پارادایم متفق‌القول و مقبول همه مراکز، این رشته علمی پی‌گیری می‌شود. آفت عمده این خلأ آن است که هم نوع نگاه، هم نحوه آموزش و هم چگونگی تولیدات مراکز، فاقد نوعی همبستگی پارادایمیک است.

نتیجه

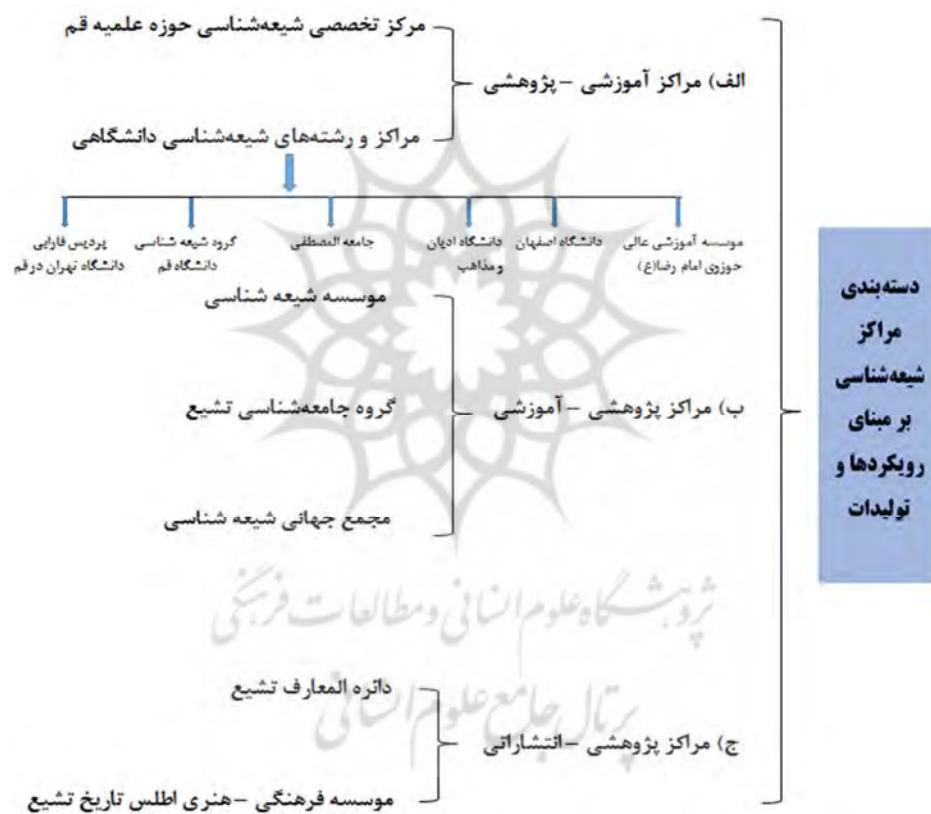
شیعیان به دلیل آنکه پس از رحلت پیامبر اسلام و عدم نقش‌آفرینی در امر خلافت در گروه اقلیت قرار گرفتند، همواره در تیررس رصدیابی حاکمان بودند و جمعیت، جغرافیا، جریان‌ها و جامعه شیعیان

همیشه در معرض شناسایی حاکمیت قرار گرفته است. از منظر پژوهش پیش‌رو می‌توان این مسئله را به‌عنوان پیشینه غیرآکادمیک شیعه‌شناسی قلمداد کرد.

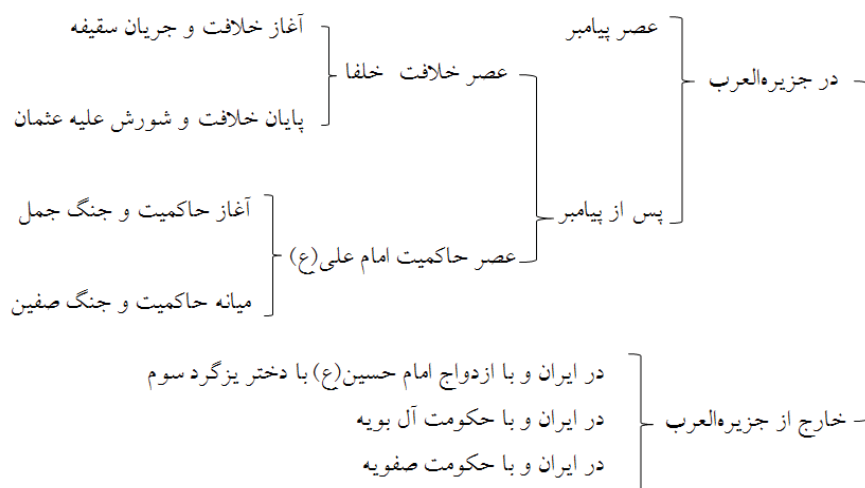
در جهان اسلام، شیعه‌شناسی با نگاه و نظر مستشرقان شکل گرفت و آنان در این حلقه جز پیشگامانند و این مسئله، فعالیت‌ها را به‌جای کنشی، واکنشی ساخته است. در جمهوری اسلامی ایران - شاید در رویکرد واکنشی و شاید به جهت ضرورت‌های ناشی پس از انقلاب اسلامی - مراکز با نام شیعه‌شناسی - در حوزه و دانشگاه - تأسیس شدند که یا جنبه آموزشی آن بر جنبه پژوهشی تقدم و اولویت داشته است، یا برعکس.

تقلیل‌گرایی یا غلبه تشیع‌شناسی به‌جای شیعه‌شناسی، عدم‌استفاده از نظریه‌های پشتیبان، فقدان نگاه پارادایمیک در دانش شیعه‌شناسی، موازی‌کاری و غلبه نگاه کمی بر کیفی، عدم رعایت اولویت و اموری از این دست، مهم‌ترین نقدها بر مراکز موسوم به شیعه‌شناسی است.

نمودارها



نمودار دیدگاه‌ها در خصوص تاریخ پیدایش شیعه:



منابع و مأخذ

۱. ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۸۹، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا، جاویدان.
۲. ابن منظور، محمد، ۱۴۱۶ ق، *لسان العرب*، تصحیح امین محمد عبدالوهاب و ...، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، بی تا، *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل*، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۳، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمدپروین گنابادی، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۴۲۶ ق، *جمهره اللغه*، مشهد، مؤسسه آستان.
۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفه.
۷. ازهری، محمد احمد، بی تا، *تهذیب اللغه*، تحقیق عبدالسلام هارون، بی جا، بی نا.
۸. اسلامی، سید حسن، ۱۳۹۱، *اخلاق و آیین نقد*، تهران، خانه کتاب.
۹. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، ۱۳۶۰، *المقالات والفرق*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۰. اشعری، ابی الحسن علی بن اسماعیل، بی تا، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، بیروت، دارالنشر.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۹۳، *تاریخ تشیع در ایران*، بی جا، نشر علم.

۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ ق، *صاحح اللغة*، بیروت، نشر دارالعلم للملایین.
۱۳. حسنی، حمیدرضا و مهدی علی‌پور، ۱۳۹۴، *پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)*، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *نعت‌نامه دهخدا*، ۱۵ جلدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. ذاکری، مصطفی، ۱۳۸۸، «اصول، نتایج و گونه‌های نقد»، مندرج در: کتاب *عیار نقد*، به‌کوشش علی اوجبی، تهران، خانه کتاب.
۱۶. سالاری‌فر، محمد رضا و همکاران، ۱۳۸۴، *مبانی نظری مقیاس‌های دینی*، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه.
۱۷. سیاح، احمد، ۱۳۹۰، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، بی‌جا، نشر اسلام.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر، ۱۳۸۷، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۱۹. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۰، *آیین زندگی*، قم، دفتر نشر معارف.
۲۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۴، *الملل و النحل*، قم، نشر الشریف الرضی.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، بی‌تا، *تاریخ طبری*، بی‌جا، بی‌نا.
۲۲. عظیمی‌فر، علیرضا، ۱۳۹۶، *قرآن و محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)*، انتشارات دانشکده اصول دین.
۲۳. عمید، حسن، ۱۳۹۰، *فرهنگ عمید*، تک جلدی، آگاه.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *معجم العین*، قم، دار الهجره.
۲۵. فیاض‌بخش، عبدالله، ۱۳۸۱، *تاریخ شیعه امامیه*، ترجمه حسین زرین‌فام، بی‌جا، نشر باغ ابریشم.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، ۱۳۷۲، *المصباح المنیر*، قم، دار الهجره.
۲۷. قفاری، ناصر عبدالله، بی‌تا، *اصول مذهب الشیعه*، بی‌جا، بی‌نا.
۲۸. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، ۱۳۸۸، *اصل الشیعه و اصولها*، ترجمه و تحقیق مکارم شیرازی، قم، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام).
۲۹. کوهن، تامس، ۱۳۹۳، *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران، سمت.
۳۰. محمودی، سید احمد، ۱۳۹۷، *شناخت مذاهب اسلامی*، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (علیه‌السلام).
۳۱. مرتضی‌زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس*، محقق علی شیری، بیروت، نشر دارالفکر.
۳۲. مظفر، محمدحسین، ۱۳۶۸، *تاریخ شیعه*، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. معین، محمد، ۱۳۶۰، *فرهنگ معین*، تهران، نشر سپهر.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۳۹۵، *اوائل المقالات*، قم، نشر دارالتفسیر.

۳۵. ملک مکان، حمید و دیگران، ۱۳۸۹، *تشیع در عراق*، قم، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۶. ناجی اصفهانی، حامد نجمه مقدس، ۱۳۹۳، «بازخوانی علمی طب سنتی ایرانی بر مبنای علم‌شناسی تامس کوهن»، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*، سال ۵، شماره ۱، بهار ۹۳.
۳۷. نجاشی، احمد بن علی، بی تا، *رجال نجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، نشر جامعه مدرسین قم.
۳۸. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۳۹۲، *فوق الشیعه*، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. هالم، هاینتس، ۱۳۸۹، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، بی جا، ادیان.
۴۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۸۹، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

